

رهبر شهید انقلاب اسلامی آیت‌ا... خامنه‌ای:

دانشگاه‌ها نباید صرفاً به تولید متخصص‌های

فنی و مهندسی یا متخصص‌های در حوزه‌های

مختلف محدود شوند؛ بلکه باید به سمت تولید

دانشمندانی حرکت کنند که با نگاهی جامع،

به مسائل و چالش‌های اصلی کشور و جهان

پاسخ دهند و بتوانند راهکار ارائه کنند ♦

وقتی فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف کنار جعبه‌های اسنپ عکس می‌گیرند!

تصویری که هفته گذشته از مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف منتشر شد، بیش از آنکه یک عکس یادگاری معمولی باشد، تصویری نمادین از وضعیت اشتغال جمعی از دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران است. گروهی از فارغ‌التحصیلان یکی از معتبرترین دانشگاه‌های کشور، در پایان سال‌ها تحصیل و تلاش، کنار جعبه‌های اسنپ ایستاده‌اند و عکس یادگاری گرفته‌اند؛ تصویری که طنز تلخی را به همراه دارد و برای بسیاری نشانه‌ای از ناامیدی نسل جوان تحصیل کرده نسبت به یافتن شغل مناسب و متناسب با تخصصشان است.

البته با این تصویر نمی‌توان به‌تنهایی درباره شغل یا آینده همه افراد حاضر در آن قضاوت کرد. کار در اقتصاد پلتفرمی نیز برای بخشی از جامعه یک فعالیت اقتصادی واقعی است و نمی‌توان آن را ذاتاً کم‌ارزش دانست. مسئله دردناک‌تر، فاصله‌ای است که میان سرمایه انسانی، سطح تحصیلات و فرصت‌های شغلی موجود شکل گرفته و می‌گیرد؛ فاصله‌ای که باعث می‌شود دانش‌آموخته دانشگاهی، به‌جای ورود به مسیر تخصصی خود، ناچار شود برای تأمین معاش به مشاغلی روی بیاورد که ارتباطی با رشته و توانمندی او ندارد.

در سال‌های اخیر آموزش عالی توسعه فراوانی در مقاطع مختلف تحصیلی داشته است، این تصویر، پرسشی اساسی را پیش روی نظام آموزش عالی قرار می‌دهد: دانشگاه برای چه کسی و برای حل چه مسئله‌ای توسعه پیدا می‌کند؟ آیا افزایش شمار دانشجویان، گسترش رشته‌ها و صدور مدارک دانشگاهی، به‌تنهایی نشانه موفقیت است؟ یا آنکه دانشگاه باید بتواند میان آموزش، نیازهای جامعه و آینده شغلی دانش‌آموختگان پیوندی واقعی برقرار کند؟

در همین زمینه، اظهارات محمداسماعیل قیداری، رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، در مراسم رونمایی از داروی «سیترولیز-K» قابل تأمل است. او با تأکید بر ضرورت حرکت دانشگاه‌ها به سمت «علم نافع» گفت دانشگاه باید نیازهای جامعه را شناسایی کند و آموزش و پژوهش خود را در مسیر ارائه راه‌حل برای مشکلات واقعی مردم قرار دهد.

از نگاه قیداری، مأموریت دانشگاه همچنان توانمندسازی جامعه است، اما توانمندسازی امروز صرفاً از مسیر آموزش و تولید دانش عبور نمی‌کند. دانشگاه باید مسائل جامعه را بشناسد، برای آنها راه‌حل ارائه کند و نتیجه فعالیت‌های علمی خود را در بهبود سلامت، کیفیت زندگی و رفاه مردم نشان دهد. در چنین نگاهی، علم زمانی ارزش اجتماعی پیدا می‌کند که از مرز مقاله و مدرک عبور کند و به محصول، خدمت، سیاست عمومی، فناوری یا راه‌حلی برای یک نیاز واقعی تبدیل شود. رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با اشاره به سیر تحول دانشگاه‌ها، دانشگاه نسل اول را آموزش‌محور، دانشگاه نسل دوم را

پژوهش‌محور و دانشگاه نسل سوم را کارآفرین دانست. به گفته او، در دانشگاه نسل چهارم، مسئولیت اجتماعی جایگاه محوری پیدا می‌کند. دانشگاه نسل چهارم باید نیازهای جامعه را احصا کند، پژوهش را بر اساس این نیازها سامان دهد و بهترین راه‌حل‌ها را برای رفع مشکلات ارائه کند.

این دیدگاه، ارتباط مستقیمی با تصویر فارغ‌التحصیلان دانشگاه شریف دارد. اگر دانشگاه نسل سوم قرار است در کنار آموزش و پژوهش، به ایجاد کار و اشتغال کمک کند، دانشگاه نسل چهارم باید حتی یک گام جلوتر برود و از ابتدا پیرسد جامعه به چه نیروهایی نیاز دارد، چه مهارت‌هایی باید آموزش داده شود و چه سازوکارهایی برای تبدیل دانش به فرصت شغلی وجود دارد.

بر اساس همین منطق، پذیرش دانشجو و تعریف رشته‌های تحصیلی، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، نمی‌تواند بدون توجه به نیازهای واقعی کشور انجام شود. ابتدا باید نیازها شناسایی شوند و سپس برای تربیت نیروی انسانی و اجرای طرح‌های پژوهشی برنامه‌ریزی شود. در غیر این صورت، دانشگاه به چرخه‌ای تبدیل می‌شود که هر سال بر تعداد دانش‌آموختگان می‌افزاید، اما ظرفیت اقتصاد برای جذب آنان متناسب با این رشد توسعه پیدا نمی‌کند.

قیداری نیز با انتقاد از نگاه صرفاً کمی به توسعه آموزش عالی تأکید کرد که افزایش تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، به‌خودی‌خود ارزش اجتماعی ایجاد نمی‌کند. اگر افزایش نیروی انسانی بدون توجه به نیازهای جامعه باشد، پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که بخشی از دانش‌آموختگان، با وجود برخورداری از مدرک دانشگاهی، یا در رشته‌هایی تحصیل کرده‌اند که بازار کار محدودی دارند یا مهارت‌های مورد نیاز محیط کار را به دست نیاورده‌اند.

در این شرایط، مدرک دانشگاهی به‌جای آنکه سکوی ورود به زندگی حرفه‌ای باشد، گاه به نشانه‌ای از انتظار طولانی، بلا تکلیفی و ناامیدی تبدیل می‌شود. مسئله فقط بیکاری نیست؛ مسئله، اشتغال نامرتب، کاهش درآمد، مهاجرت نیروی متخصص، فرسودگی روانی و از دست رفتن اعتماد جوانان به مسیر تحصیل است. زمانی که دانش‌آموخته یک دانشگاه ممتاز کشور نمی‌تواند چشم‌انداز روشنی برای استفاده از تخصص خود ببیند، مشکل را نباید صرفاً به انتخاب رشته یا ضعف فردی او نسبت داد. این وضعیت، نشانه اختلال در پیوند میان آموزش عالی و اقتصاد واقعی است.

در این میان، دانشگاه‌ها نیز باید درباره پیامدهای توسعه کمی آموزش عالی پژوهش کنند؛ همان‌گونه که قیداری بر ضرورت چنین بررسی‌ای تأکید کرد. باید روشن شود توسعه دانشگاه‌ها در سال‌های گذشته چه

مشکلاتی را حل کرده و چه تبعاتی به همراه داشته است. افزایش ظرفیت آموزشی، بدون ارزیابی کیفیت، نیاز بازار کار، زیرساخت‌های پژوهشی و امکان جذب فارغ‌التحصیلان، می‌تواند به شکل‌گیری اکوسیستمی نامتوازن منجر شود.

البته مسئولیت این وضعیت تنها بر عهده دانشگاه‌ها نیست. سیاست‌گذاری اقتصادی، وضعیت تولید، سرمایه‌گذاری، صنعت، نظام اداری و فضای کسب‌وکار نیز در شکل‌گیری بازار کار نقش دارند. دانشگاه نمی‌تواند به‌تنهایی شغل ایجاد کند؛ اما می‌تواند از تربیت نیرو برای بازارهای اشباع، توسعه رشته‌های بدون پشتوانه شغلی و اجرای پژوهش‌های بی‌ارتباط با مسائل کشور پرهیز کند. همچنین باید مهارت‌آموزی، ارتباط با صنعت، کارآموزی واقعی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی دستاوردهای علمی را جدی بگیرد.

رونمایی از داروی «سیترولیز-K» نمونه‌ای از همان مسیری است که رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی آن را علم نافع می‌نامد. مسئله‌ای واقعی در جامعه وجود داشته است؛ بیمارانی با سنگ‌های دستگاه ادراری مواجه بوده‌اند و پیشگیری از آن نیز با محدودیت‌هایی همراه بوده است. پژوهشگران با شناسایی این نیاز، روی موضوع کار کرده و محصولی را به جامعه معرفی کرده‌اند که امید می‌رود مراحل بالینی را با موفقیت پشت سر بگذارد و بخشی از مشکل بیماران را کاهش دهد.

اهمیت چنین نمونه‌ای فقط در تولید یک دارو خلاصه نمی‌شود. این تجربه نشان می‌دهد دانشگاه زمانی می‌تواند به مسئولیت اجتماعی خود عمل کند که مسئله را از جامعه دریافت کند، پژوهش را به سمت آن هدایت کند و در نهایت محصول یا راه‌حلی قابل استفاده ارائه دهد. همین الگو می‌تواند در دانشگاه‌های مهندسی، علوم انسانی، اقتصاد، کشاورزی و سایر حوزه‌ها نیز دنبال شود.

کشور از نیروی انسانی باهوش، خلاق و توانمند کمبود ندارد. تصویر دانش‌آموختگان شریف کنار جعبه‌های اسنپ، بیش از آنکه نشانه ضعف آنان باشد، پرسشی جدی درباره نحوه استفاده از این سرمایه انسانی مطرح می‌کند. دانشگاه باید به جوانان دانش بدهد، اما مسئولیت آن به انتقال دانش محدود نیست. دانشگاه باید آنان را برای حل مسئله، خلق ارزش و حضور مؤثر در جامعه آماده کند.

«علم نافع» زمانی به یک شعار واقعی تبدیل می‌شود که از مرحله سخنرانی فراتر رود و در سیاست‌پذیرش دانشجو، طراحی رشته‌ها، تخصیص بودجه پژوهشی، ارتباط با صنعت و ایجاد فرصت‌های شغلی اثر بگذارد. در غیر این صورت، ممکن است همچنان هر سال بر شمار فارغ‌التحصیلان افزوده شود، اما تصاویر بیشتری از جوانان تحصیل کرده منتشر شود که به‌جای ایستادن در جایگاه تخصصی خود، در حاشیه اقتصاد و برای تأمین حداقل‌های زندگی تلاش می‌کنند.

دانشگاه باید نیاز جامعه را بشناسد؛ اما جامعه نیز باید زمینه‌ای فراهم کند تا دانش‌آموختگان بتوانند در خدمت مردم قرار گیرند. نقطه آغاز اصلاح، پذیرفتن همین واقعیت است که کیفیت آموزش عالی را نمی‌توان با تعداد دانشجویان و مدارک سنجید. معیار اصلی آن است که دانشگاه چه اندازه از رنج مردم می‌کاهد، چه مقدار ارزش اقتصادی و اجتماعی خلق می‌کند و تا چه حد می‌تواند برای جوانان خود آینده‌ای روشن و شایسته بسازد.

■ سید کاظم حسینی